

## بررسی نقاشی های معراج حضرت پیامبر (ص) در کشورهای اسلامی از دیرباز تا به امروز

زهرا خداداد \* مرتضی اسدی \*\*

تاریخ دریافت مقاله : ۸۸/۶/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله : ۸۹/۳/۲۵

### چکیده

در این مقاله نقاشی های معراج حضرت پیامبر (ص) در کشورهای اسلامی از گذشته تاکنون مورد بررسی قرار گرفته است. از آن جا که عظمت و بزرگی واقعه معراج برای تمام مسلمانان اتفاقی بزرگ و عظیم است، برای هنرمندان نیز این موضوع با اهمیت بوده و سعی در به تصویر کشیدن آن در همه زمان ها داشته اند. در ایران به دلیل توجه ویژه حکام، مردم و آزادی بیش تر در بیان عقاید دینی، هنرمندان تقریباً در تمام دوره های هنری تصاویری را خلق کرده اند، اما در دیگر کشورهای اسلامی به دلیل عقاید خاصی که نسبت به مذهب دارند و نیز با توجه به محدودیتی که هنرمندان در این زمینه با آن روبه رو هستند کم تر توانسته اند به این موضوع بپردازند و گاه از نمادهایی برای نشان دادن این سفر اعجاب انگیز استفاده کرده اند. در این مقاله به دو سؤال زیر پاسخ داده شده است:

آثار به دست آمده از هنرمندان مربوط به کدامیک از مراحل معراج پیامبر می باشد؟

آیا هنرمندان مسلمان در کشورهای اسلامی دیدگاهی مشابه نسبت به معراج دارند؟

همچنین بررسی نقاشی های معراج و بیان تشابهات و تفاوت های نقاشی ها در دوران مختلف نیز مدنظر این پژوهش بوده است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی شیوه گردآوری مطالب هم به روش کتابخانه ای است.

### واژگان کلیدی

نقاشی، معراج حضرت پیامبر (ص)، جبرئیل، براق، کشورهای اسلامی.

\* کارشناس ارشد نقاشی دانشکده هنر دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران

Email : khodadadzahra@gmail.com

\*\* هیات علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران  
Email : mortezaasadi@hotmail.com

مقدمه

هموارتر ساخت. معراج حضرت پیامبر(ص) نیز به عنوان راز آمیزترین معجزه ایشان همواره مورد توجه مسلمانان به ویژه عارفان و هنرمندان بوده است. در عرفان اسلامی هدف عمده ریاضت های عرفانی دست یابی به تجربه معراج است. هنرمندان و نقاشان نیز در هر دوره سعی در به تصویر کشیدن این واقعه بزرگ داشته اند.

در بررسی تاریخی نگاره های معراج مربوط به هنر ایران بیش تر از منابعی هم چون تصاویر به چاپ رسیده در کتب گوناگون استفاده شده است. در تصاویر مرتبط با دیگر کشورهای اسلامی به دلیل کمبود و در برخی کشورها فقدان منابع، اثری در دست نیست و با اطلاعات آن اندک می باشد و اغلب از پایگاه های اینترنتی استفاده شده است.

معراج از دیدگاه قرآن، روایات، احادیث، اندیشمندان، متفکران و عرفا

در قرآن کریم واژه معراج به صورت مستقیم به کار نرفته اما مشتقاتی همانند تعرج، يعرج، يعرجون، و معارج داشته است. (ادیب، ۱۳۸۴، ۲۰)

«تعرج الملائکه والروح الیه فی یوم کان مقداره خمسین الف سنه». «روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است، فرشتگان و روح بدان جا فرا روند». (آیتی، ۱۳۷۶، ۵۶۶)

در کلامی از امام علی (ع) آمده است: ...لما ختم به الانبیاء وجعله الله رسولا...الی جمیع الامم و سائر الملل خصه بالارتقاء الی اسماء عند المعراج... «چون انبیاء را با وی خاتمه

اسلام در غرب شبه جزیره عربستان در سده هفتم اول بعد از میلاد ظهور کرد. این موضوع سبب شد قبایلی که پیش از این استقرار در یک مکان رانمی شناختند، در یک جا جمع شده و به صورت قبایل و دولت های یک پارچه در آیند و در نتیجه هنرهای عربی مانند حمیری، مسیحی و اکسومی را که پیش از اسلام در شبه جزیره عرب وجود داشت به یکدیگر پیوند داد و به دنبال آن صنایع دستی، به عنوان نخستین هنرها در اسلام پدیدار گشت.

به دنبال گسترش این هنرها و پیدایش هنرنقاشی از آن جاکه عرب های دوره جاهلی با این هنرها بیگانه بودند به نهمی نقاشی و پرهیز از آن نمودند و در برخی موارد به تحریم آن پرداختند. (شایسته فر، ۱۳۸۳)

گاستون ویت، معتقد است پرهیز از نقاشی سبب شد نقاشی در میان مسلمانان عرب کمیاب تر و در میان غیر اعراب مانند ایرانی ها، هندی ها، ترک ها و مغول ها فراوان تر باشد. عده ای از محققان معتقدند کثرت تصاویر در میان شیعیان به این دلیل است که آن ها از احادیثی که اهل سنت در نهمی از تصویر داشتند سرباز زدند. ولی حقیقت این است که فقهای شیعه نیز با همان استواری فقهای سنی، نقاشی را تحریم کردند. دولت شیعی نیز در مورد تصویر سازی آزاد اندیش تر از دولت سنی نبود، فقط آن ها معتقد بودند تعداد زیادی از این تصاویر به زمان و مکان خاصی تعلق دارد و شامل منع تمام تصاویر نمی شود.

هنر اسلامی با کتابت قرآن کریم آغاز شد. چیزی نگذشت که پای نقش و نگارها به میان آمد، سرلوحه ها آراسته شد و سرآغاز سوره ها به حاشیه رنگین پیراسته شد و گرایش به ترجمه و نگارش متون علمی، تاریخی و ادبی در سده های بعد متجلی شد. تصاویر انسان، حیوان، گیاهان و نباتات به نسخه های دست نوشته راه یافت و استفاده از کاغذ به جای پوست برای کتابت راه را برای اعتلای کتاب آرای



تصویر ۲- پیامبر و جبرئیل فرشته در مقابل یک فرشته عظیم الجثه ایستاده اند، رقم احمد موسی، معراج نامه تبریز، توپقاپی سرای استانبول



تصویر ۱- شب معراج، حضرت محمد(ص) بر روی براق، جامع التواریخ بدون رقم، بدون تاریخ، توپقاپی سرای استانبول



تصویر ۴- هفتاد هزار پرده، معراج نامه، هرات، ۸۴۰-۱۴۳۶، کتابخانه ملی پاریس



تصویر ۳- در خواب فرشته (جبرئیل)، ورق جدا شده از آلبوم بغداد، بدون رقم، منسوب به عبدالحی، سال ۱۳۹۶، اندازه ۲۸/۵×۱۹/۵ سانتی متر، موزه توپقاپی استانبول

امالی شیخ صدوق، احتجاج طبرسی، وسائل الشیعه شیخ حرعاملی و مستدرک محقق نوری نیز به معراج اشاره شده است.

از کتاب های معتبر اهل سنت نیز می توان آثار سنن ترمذی، صحیح بخاری، سخن نسائی، مسند احمد، صحیح مسلم، مستدرک حاکم را نام برد که به معراج اشاره داشته اند.

منصور علی ناصف، از اندیشمندان معاصر و استاد دانشگاه الازهر مصر در کتاب معروف خود «التاج فی بیان المعراج» احادیث معراج را جمع آوری نموده است. شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، رئیس ادارات «بحوث علمیه و افتاء و دعوت و ارشاد» به معراج اشاره کرده است. همچنین مفسر عالی قدر مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان ذیل اول معراج را بیان نموده است.

با مطالعه و بررسی آیات، احادیث و روایاتی که بیان شده تمامی علماء به این نکته اعتقاد دارند که احادیث و روایات معراج از یکی از حالات زیر خارج نیست:

۱- روایاتی که حکم تواتر قطعی است و نمی توان نگارش کرد.

۲- روایاتی که به حد تواتر نمی رسد اما مانع عقلی هم ندارد و عقل حکم به آن ها می کند.

۳- روایاتی که ظاهرش با اصول مسلم ما مخالفت دارند ولی قابل توجیه هستند و می توان محمل معقولی برایش

دادند و آن حضرت را رسول تمام امت ها و ملت ها قرار داد، فراز آمدی به آسمان را ویژه وی ساخت...». حضرت پیامبر (ص) خطاب به امام علی (ع) می فرماید: «...ای علی نام تورا در چهار جای در کنار نام خود دیدم که برنگریستنش انس گرفتم. در سفر و سیر ملکوتی ام به آسمان چون به بیت المقدس رسیدم نام تورا... بر صخره آن یافتم».

از صحابه حضرت پیامبر (ص) نیز نزدیک به بیست و سه نفر معراج را خبر داده اند که از جمله می توان به انس بن مالک، شداد بن اویس، امام علی (ع)، عمر بن خطاب، ام هانی، عایشه اشاره کرد. علاوه بر این بیست و سه نفر، حضرت پیامبر (ص) نیز شخصا این موضوع را در مسجد الحرام بیان کرده اند. (اشتهاردی، ۱۳۷۷، ۳۱)

این کثیر معراج را نردبانی می داند که حضرت پیامبر (ص) از آن به آسمان دنیا و سپس به آسمان های دیگر رفته است. جلال الدین فارسی می نویسد: برای حضرت پیامبر (ص) علاوه بر بارها تجربه اعتلا و عروج که مقارن با دریافت وحی و ملاقات با فرشته هاست دومرتبه عالی تر است. این دو تجربه و صلی است که به معراج یاد شده است. معراج اعتلا و فرا رفتن نبی اکرم از مراتب عالم ملکوت به سوی عرش است. (همان، ۲۲-۲۱)

مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار هم در بابی با عنوان «اثبات المعراج و معناه و کیفیه و صفیه و ماجرای فیه» این موضوع را بیان نموده اند. در کتاب کافی، مرحوم کلینی،





تصویر ۶- معراج حضرت محمد (ص)، خمسه نظامی، شیراز یا تبریز، بدون رقم، مکتب ترکمانان، حدود ۹۱۱ هجری قمری، کتابخانه ایندیافیس



تصویر ۵- بدون عنوان، متعلق به نسخه خطی موجود در دارالکتب مصر، هرات، بدون رقم

همچنین اولین معراج نامه ای که تاکنون به دست آمده نیز متعلق به این دوره می باشد. به نظرمی رسد مولانا عبدالله آن را مثنی برداری کرده و نقاشی های آن منسوب به احمد موسی می باشد. این معراج نامه امروزه در مجموعه ای از نگاره های آلبوم بهرام میرزا در کتابخانه توپقاپی نگه داری می شود. (رهنورد، ۱۳۸۶، ۲۸) در این نسخه نخستین بار است که موجودات عجیب و غریب و ترکیبی ظاهر می شود. این نسخه با شاهنامه دموت شباهت هایی در عنصر منظره پردازی نامتراکم هم چون درختان بزرگ پیش زمینه دارد. پیکره های انسانی، با بدن طویل، سرهای بیضی شکل و اندام های آرام، عمامه های گردی که با دنباله های گشاد بر روی سینه مردان افتاده و روبان های آویزان فرشته ها، تداعی کننده ویژگی اواخر سده ۱۴ هجری قمری است.

یکی از ویژگی های این نسخه این است که امکان تاریخ گذاری را برای آثار اواخر حکمرانی مغول در ایران تا سلطنت اویس فراهم می کند. (همان، ۳۰-۲۸) (تصویر ۲) در تصاویر به دست آمده این دوران جهت حرکت از سمت راست تصویر به داخل کادر است و عمده رنگ های مورد استفاده، قرمز و رنگ های گرم می باشد. قدرت ایلخانیان در حدود میانه سده هشتم هجری قمری از هم پاشید و پس از آن آل جلایر به روی کار آمدند. در این دوران رنگ ها نسبت به مکتب ایلخانی قوام بیش تری یافت و پیوند مستحکم تری با سطوح و تزئینات مجاور خود دارند و تناسب بین اندام و محیط رعایت شده است. به طور کلی نگارگران این مکتب رابطه ظریف میان انتزاع و طبیعت، شکل و رنگ، انسان و محیط را رعایت می کردند. تنها تصویر این دوره متعلق به آل جلایر است که اثر نقاش معروف آن دوره عبدالحی، شاگرد شمس الدین می باشد. (تصویر ۳) عمده رنگ به

درست کرد.

۴- روایاتی که نه ظاهرش معقول و صحیح می باشد و نه ممکن است برمحمل صحیحی بیان گردد.

همچنین عرفای الهی معتقدند معراج حضرت رسول(ص) در سه قسمت خلاصه شده است:

سیر اول: عالم خاک تا نهایت افلاک.

سیر دوم: از عالم جسمانیت تا مرز نورانیت.

سیر سوم: از عالم عقلانیت تا قرب حق تعالی جل شانته. (زکی زاده رناتی، ۱۳۸۳، ۲۳۲)

### نقاشی های معراج در ایران

نخستین تصاویر به دست آمده از معراج حضرت پیامبر(ص) مربوط به حکومت ایلخانیان ۶۵۴-۷۵۰ هجری قمری می باشد. (رهنورد، ۱۳۸۶، ۱۳) این تصاویر متعلق به کتاب جامع التواریخ می باشد که از شیوه هاشورزنی نقاشی چینی دوره تانگ استفاده شده است. قلم گیری های زمخت و جامه پردازی به وضوح بین النهرینی است. پیکره ها بلند قامت و برخی از تصاویر الگوهای بیژانسی را به یاد می آورند. (پاکباز، ۱۳۸۳، ۶۱) (تصویر ۱)



تصویر ۸- معراج، خمسه نظامی شاه طهماسبی، اثر سلطان محمد، تبریز ۹۴۶-۹۵۰ هجری قمری، کتابخانه بریتانیا لندن



تصویر ۷- معراج حضرت رسول اکرم (ص)، خاوران‌نامه، رقم فرهاد، کاخ گلستان، تهران

را به زیبایی تصویر کرده است. (تصویر ۸) این تصویر معراج نامه جزء معدود آثاری است که براق در آن حضور ندارد و دلیل آن هم این است که نقاش می خواسته نشان دهد که براق و جبرئیل اجازه ورود به این محل را ندارند. انتخاب رنگ ها در این تصویر به گونه ای است که هریک نمادی از یک موضوع هستند، قرمز نشانه یاقوت آتشین، طلایی نماد نور و غیره است. عمده رنگ های مورد استفاده در تصویر قرمز، بنفش، طلایی، زرد و غیره است که این رنگ ها در قسمت های مختلف تصویر تکرار شده اند. تنها در یک جا رنگ سفید دیده می شود و آن هم رنگ عمامه حضرت پیامبر (ص) است که نشان گر پاکی ایشان است. قلم گیری های تصویر با رنگ های گرم انجام شده و از ویژگی های نقاشی این دوره است. همچنین عناصر تزئینی در تصویر دیده نمی شود و قسمت های مختلف تصویر و پیکره ها در نهایت سادگی ترسیم شده اند و فقط پرده ها اندکی تزئین شده اند.

از میان تصاویر این دوره فقط یک نگاره وجود دارد که جهت حرکت آن از سمت چپ قاب است (تصویر ۹) و در باقی تصاویر جهت حرکت از راست به چپ می باشد. عمده رنگ های به کار رفته در این تصاویر آبی، زرد، قرمز و طلایی است. برخلاف نمونه های دیگر این دوره که ابرهای چینی بخش زیادی از تصویر را در بر گرفته اند، در این

کاررفته در این تصویر آبی، سفید و قرمز است. جهت حرکت از سمت راست به داخل کادر می باشد. در آثار این دوره موجودات عجیب و غریب دوره ایلخانی وجود ندارند و در نقاشی های معراج برای اولین بار کاربرد کتیبه دیده می شود. در تصویر ۳ نسبت به تصاویر دوره های قبل بیش تر از رنگ های روحانی نظیر آبی و سفید استفاده شده است. محیط نسبت به قبل خالی تر به نظر می رسد هر چند تعداد عناصر به کار رفته در تصویر بیش تر شده ولی از نظر اندازه کوچک تر ترسیم شده اند.

اما همزمان با آن ها دو حکومت محلی نیز به نام آل مظفر و آل اینجو فعالیت می کردند. از زمان فعالیت این دو حکومت تصویری با موضوع معراج مشاهده نشده است. پس از فروپاشی این سه خاندان حکومت بایسنقر میرزا «۳۶-۸۱۶ هجری قمری» (رابینسون، ۱۳۷۶، ۲۲)، «فاصله بین بایسنقر تا بهزاد یعنی هرات در حدود ۸۰-۸۳۶ هجری قمری» (همان، ۴۱) و سلطان حسین میرزا و بهزاد «۹۱۲-۸۸۸ هجری قمری» (همان، ۴۷) فرا رسید که در این دوران آثار بسیاری از معراج به دست آمده است. یکی از بزرگ ترین آثار و زیباترین نسخ فارسی معراج نامه نیز در فاصله بین بایسنقر تا بهزاد به نام معراج نامه شاهرخی پدید آمده است. این نسخه خطی مزین به شصت و یک تصویر است که از ابتدا تا انتهای سفر حضرت پیامبر (ص)





تصویر ۱۰- معراج، حبیب السیر خواندمیر، کاتب نا معلوم، موزه کاخ گلستان



تصویر ۹- معراج، یوسف و زلیخا جامی، ۹۴۰ هجری قمری، کتابخانه قاهره

از نقاشی - طراحی که دارای ترکیب بندی های غیر پیچیده، منظره پردازی ساده و با زمینه رنگ پریده، علف ها و گیاهانی که به صورت قالبی و هندسی قرار می گیرند و با رنگ سبز و گیاهان زرد، پیکره های چاق با چهره گرد و ابروهای کمانی و دماغ ها و دهان های کوچک نقش داشته است. او مجموعه ای را به نام خاوران نامه نقاشی کرده است که یکی از تصاویر آن معراج پیامبر (ص) می باشد. (تصویر ۷) تنوع رنگ در تصویر زیاد است اما عمده رنگ های به کار رفته قرمز، آبی و طلایی می باشد و رنگ ها بیش تر به صورت خاکستری استفاده شده است. فرشته های اطراف اغلب یک شکل و یک اندازه به حالت خپل و کوتاه بادهان و بینی کوچک و ابروان کمانی تصویر شده اند و به نظر می رسد فقط از نظر رنگ و جهت نگاه با یکدیگر تفاوت دارند. حرکت حضرت پیامبر (ص) از سمت راست تصویر به داخل قاب است. ترکیب بندی تصویر به صورت حلزونی است و از فرشته ای که در سمت راست تصویر قرار دارد و دارای بال هایی به رنگ بنفش است شروع و به مرکز یعنی براق و فرشته ای که در بالای سر پیامبر قرار دارد، ختم می شود. با روی کار آمدن شاه اسماعیل صفوی در تبریز حکومت وی آغاز شد. در این زمان سلطان محمد، هنرمند معروف و خوش آوازه عرصه هنر ایران نیز می زیست

اثر از حجم ابرها کاسته شده و آسمان را ابرهای سفید و خاکستری به صورت پراکنده پر کرده و هرچه به سمت بالای تصویر می رویم بر حجم ابرها افزوده می شود. در این تصویر نیز همانند دیگر تصاویر این دوره از عناصر تزیینی کم تر استفاده شده است.

پس از آن که ترکمانان به روی کار آمدند و شاه رخ توانست آن ها را تحت نظارت خود در آورد مرگ امانش نداد و آن ها بار دیگر محل حکومت خود را به طرف مرزهای غربی ایران انتقال دادند. در همین زمان جهان شاه غرب ایران را در نوردید و برای مدتی هرات را به تصرف خود در آورد. آن ها از دو قبیله بزرگ قراقویونلو و آق قویونلو تشکیل شده بودند. از ویژگی آثار ترکمانان می توان به پیکره های عروسک گونه نسبتاً چاق با صورت های گرد و پاهای نازک و مناظر چینی اشاره کرد که بیش تر مربوط به دوران مینگ است تا دوران یوان. (رهنورد، ۱۳۸۲، ۹۹) (تصویر ۶) در این تصویر عناصر تزیینی به صورت ابرهای درهم پیچیده تصویر را به طور کامل احاطه کرده و پیامبر (ص) در آن محصور شده است. با توجه به این که این تصویر به شکل سیاه و سفید است نمی توان در باره رنگ آن اظهار نظر کرد.

در این زمان هنرمندی به نام فرهاد در استقرار سبکی



تصویر ۱۲- خمسه نظامی سال ۹۵۶ هجری قمری، هنرمند نامعلوم، مدرسه شهید مطهری



تصویر ۱۱: معراج، هفت اورنگ جامی، ۷۲-۹۳۶ هجری قمری، ابعاد ۲۳×۲۴ سانتی متر

تصویر شده، حرکت از راست به چپ می باشد. (تصویر ۹) در این تصویر ابرهای چینی سفید و خاکستری رنگ حذف شده و به صورت طلایی نمایان شده است. عمده رنگ به کار رفته در تصاویر نیز آبی، طلایی، قرمز و سفید می باشد. شاه طهماسب از اواخر دهه ۹۴۷ هجری قمری دست از حمایت نقاشان کشید و در سال ۹۵۵ هجری قمری و یا ۹۶۲ هجری قمری پایتخت خود را به قزوین منتقل کرد. در ربع سوم سده دهم هجری قمری برادرزاده او ابراهیم میرزا در مشهد تعدادی از نقاشان را به خدمت گرفت و نقاشی بار دیگر مورد حمایت دربار قرار گرفت. در نگاره‌های این زمان تلاش زیادی برای نشان دادن دوره جوانی شده است. تکامل شیوه خطی و رنگ آمیزی غنی و تاثیرگذار است. پس زمینه عموماً مسطح و گاه با چندگانه و ابر نقش شده‌اند. اما در اواخر سده دهم هجری قمری و اوایل سده یازدهم هجری قمری سبک دیگری از نقاشی که به ایالتی، تجاری خراسان و استرآباد (رابینسون، ۱۳۷۶، ۶۱) معروف شد، شکل گرفت.

در این زمان سبک درباری ابراهیم میرزا بسیار ساده شد و نتیجه آن تعداد زیادی نسخ خطی است. مهم ترین مشخصه نقاشی های این دوره جدول های رنگ آمیزی شده شدید و دقیق با پرده رنگ های غنی منظره، زمین و آسمان است. درتصویری که از این دوران به دست

که در شاهنامه نیز ردپایی از وی دیده می شود. او در سال های آخر عمر در نسخه خمسه نظامی سال ۹۴۵-۹۴۹ هجری قمری که هم اکنون در کتابخانه بریتانیا نگه داری می شود، استادی و مهارت چشم گیری از خود نشان داده است. نگاره معراج او که یکی از مشهور ترین آثار نقاشی در این زمینه است آخرین اثر هنری او محسوب می شود. ( تصویر ۸) در این نگاره صورت حضرت پیامبر(ص) با نقاب سفید رنگی پوشیده شده و سوار بر براق در میان فرشتگان قرار گرفته است. ترکیب بندی اثر به صورت مارپیچ است و از سمت چپ تصویر شروع شده و به فرشته ای که در پشت براق قرار دارد ختم می شود. نقطه مرکزی و ثقل این مارپیچ حضرت رسول(ص) و براق است که با نوار و شعله های طلایی نورگراگرد سر حضرت پیامبر(ص) و براق به صورت جداگانه کار شده است. این شعله ها در اطراف جبرئیل نیز دیده می شوند اما دیگر فرشته ها از آن عاری می باشند. رنگ آمیزی درخشان و استادانه این نگاره به صورت لاجوردی، سفید و طلایی است اگرچه رنگ های دیگری نظیر آبی، نارنجی، سبز و قرمز نیز دیده می شود. عناصر تزئینی تصویر فقط ابرها و شعله های نور است و هیچ اثر تذهیبی در آن وجود ندارد. در تصاویر معراج این دوران به جز یک تصویر که حرکت حضرت پیامبر(ص) از سمت چپ قاب به داخل





تصویر ۱۴- معراج، محمد زمان ۲۳/۵×۲۵ سانتی متر، قصص الانبیاء، ابراهیم ابن منصور نیشابوری

زیاد شود. زندگی و مسائل درباری بیش تر مورد توجه قرار گرفت و از تزیینات مکتب تبریز کاسته شد و آثار رو به سادگی رفت. عمده رنگ های به کار رفته در تصاویر معراج این دوره آبی، زرد، قرمز و طلایی است و جهت حرکت پیامبر از راست به داخل قاب می باشد. (تصویر ۱۱) در زمان تیموریان، شیراز تامین کننده نسخه های تذهیب کاری برای تجار و اشراف ایران، هند و عثمانی بوده و هنگامی که در سال ۹۰۸ هجری قمری تحت سلطه صفویان درآمد هنرمندان را به سوی خود جذب کرد. (همان، ۶۵) در این دوره هنرمندانی نظیر مرشد نعیم الدین اوحدی فعالیت داشتند که کارشان از زمان ترکمانان ادامه داشت. در حدود ربع قرن دهم هجری قمری آن نسخه ها دچار تغییراتی شدند مانند پیکره های کمی چاق و خپل و کلاه قزل باشی، باریک تر، این تغییرات باعث شد که هنرمندان دیگر را تحت تاثیر خود قرار دهد. نسخه های شیراز در سده دهم هجری قمری برتر از نسخه هایی بود که باحواشی حتی بیش تر از دوره تیموریان ترکیب می شد. عمده رنگ های به کار رفته در تصاویر مربوط به معراج در این دوران طلایی، آبی و قرمز است. جهت حرکت پیامبر نیز به داخل کادر از سمت راست تصویر می باشد. در نگاره، نمایی کلی از صحنه معراج ترسیم شده که شانزده فرشته نقاشی شده و هر کدام مشغول کاری هستند و در دست خود چیزی را حمل می کنند. اغلب فرشتگان با خود شعله های نور را در دست دارند. حضرت پیامبر(ص) بر براق به طور کامل در شعله های نور قرار دارند. ترکیب بندی اثر به صورت مارپیچ حلزونی است که ابتدا از فرشته ای که در سمت راست تصویر در بالاترین محل قرار دارد شروع و به جبرئیل در مرکز صفحه ختم می شود. حضرت پیامبر(ص) در تصویر با لباس سبز که نماد پاکی و قد است است و در زیر آن از رنگ قرمز استفاده شده که کاربرد رنگ مکمل زیبایی و تاکید تصویر افزوده است. همچنین از نظر وسعت اندازه ای که نقاش برای براق و حضرت پیامبر(ص) در نظر



تصویر ۱۳- حضرت محمد(ص) در معراج، ۳۱/۸×۱۹/۵ سانتی متر

آمده (تصویر ۱۰) جبرئیل دیده نمی شود. حرکت براق از سمت راست به چپ تصویر می باشد و هاله ای نور اطراف حضرت پیامبر(ص) و براق را احاطه کرده است. این هاله به شکلی است که به صورت یکپارچه از پایین پای براق تا بالای سر حضرت پیامبر(ص) و اطراف ایشان در برگرفته است. عمده رنگ به کار رفته طلایی و آبی می باشد و جهت حرکت حضرت پیامبر(ص) از راست به چپ است. رنگ براق و پیامبر(ص) تیره کار شده و رنگ سفیدی که صورت و عمامه حضرت پیامبر(ص) را پوشانده و نیز کلاه سبز رنگی که بر سر براق گذاشته پاکی و طهارت را نشان می دهد. همچنین ترکیب بندی تصویر به صورت مارپیچ است.

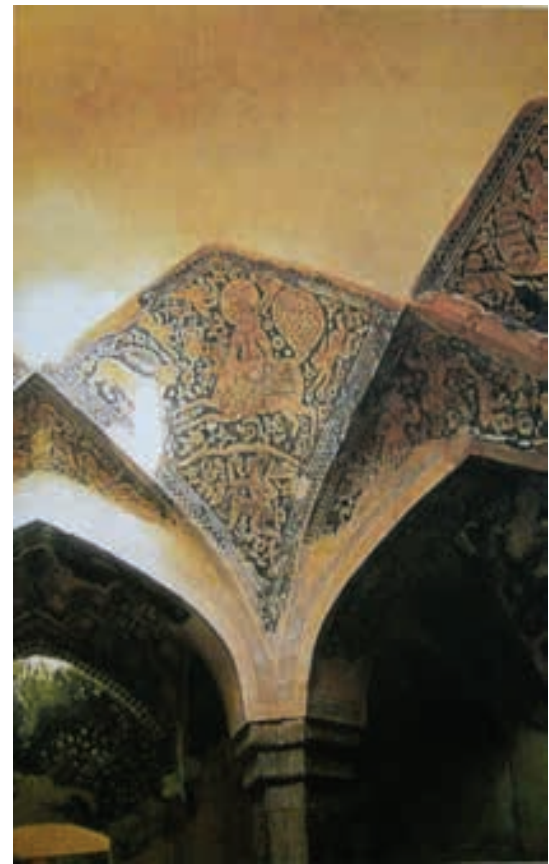
پس از آن که شاه طهماسب پایتخت خود را به قزوین منتقل کرد، تعدادی از نقاشان در آن جا ساکن شدند و آثاری را به وجود آوردند. شاه طهماسب در اواخر عمر، علاقه خود به نقاشی را از دست داد و به همین دلیل هنرمندان از اطراف او پراکنده شدند.

پس از مرگ شاه طهماسب در سال ۹۸۳ هجری قمری (همان، ۶۳) شاه اسماعیل دوم بر تخت نشست و با توجه به گرایش های هنری که داشت هنرمندان را مورد حمایت قرار داد. علاقه نقاشان ایرانی و درباری و نیز حامیان آن ها به مضامین و موضوعات واقعی سبب شد توجه به این مساله





تصویر ۱۶- قاجار، بی نام، بدون رقم



تصویر ۱۵- سربینه حمام وکیل شیراز

عبدالله نقاش، مولانا میر علی مذهب، محمد مقیم، محمد امین می‌باشند. (رابینسون، ۱۳۷۶، ۷۰-۶۹) اتفاقات فراوانی که در این مکتب روی داد باعث گسترده شدن نقاشی در این زمان هندی می‌شود. تصویر به دست آمده از معراج متعلق به این دوران به صورت سیاه و سفید است اما جهت حرکت حضرت پیامبر (ص) از سمت چپ به داخل قاب می‌باشد. (تصویر ۱۳)

پس از مرگ شاه اسماعیل دوم در سال ۹۸۵ هجری قمری شاه عباس روی کار آمد و پایتخت خود را به اصفهان منتقل کرد و آخرین دوره حکومت صفویه در اصفهان شکل گرفت. شاه عباس کتابخانه خود را تأسیس کرد و صادقی بیک را که خود هنرمند چیره دستی بود به ریاست آن برگزید. اما پس از چندی او افول کرد و هنرمندی به نام رضا عباسی توانست سبکی را ابداع کند که در عرض دو دهه آینده چهره نگاری ایران را تغییر دهد. (همان، ۷۲) در اواخر زندگی شاه عباس نقاشانی مانند حبیب الله مشهدی و محمدحسین اصفهانی زندگی می‌کردند که آثار زیبایی را هم به وجود آوردند. (همان، ۸۳) همچنین می‌توان به شاگردان رضاعباسی نظیر معین مصور، محمدقاسم، محمدیوسف، محمدعلی و محمدزمان اشاره کرد. (پاکبان، ۱۳۸۶، ۱۲۶) این زمان مصادف بود با راه یافتن اروپاییان به ایران که

گرفته نشان می‌دهد هدفش تأکید بیش تر بر حضرت رسول و براق است. در تصویر دو کتیبه خوشنویسی شده را می‌بینیم که یکی از آن‌ها در پایین تصویر و در انتهای آن دیگری در میانه متن نزدیک به بالای قاب نوشته شده که این خود یکی از علل تمایز این تصویر از تصاویر دیگر معراج است. نوع نگارش متن کتیبه‌ها به گونه‌ای زیرکانه است که باعث عدم بریدگی وجدایی تصویر از قسمت پایین شده است. در واقع کتیبه میانی به حالتی فلش گونه برای حرکت دوباره به داخل متن تصویر عمل می‌کند. همچنین فرشته‌هایی که در بالای قاب کتیبه قرار دارند تقریباً در حالتی هستند که در پایین کتیبه مشاهده می‌شود و این جدایی می‌تواند از تکرار آن بکاهد. (تصویر ۱۲) عده‌ای از بازماندگان مغول از سال ۹۰۵ هجری قمری ماوراءالنهر را از چنگ نوادگان تیمور بیرون آوردند (گودرزی، ۱۳۸۴، ۵۸) و چون رهبر آن‌ها شیبان بود به نام شیبانیان خوانده شدند. در زمان جانشینان تیمور و شیبانیان، بخارا رابطه مستقیم با مکاتب نقاشی داشت و هنرمندان کم‌تر به مضامین چینی می‌پرداختند. به علت سخت‌گیری‌های محمد شاهی بیک، عده‌ای از هنرمندان هرات به همراه شیبیک خان به بخارا، پایتخت او مهاجرت کردند که معروف‌ترین هنرمندان این مکتب محمود مذهب،



تصویر ۱۸- معراج، علی اکبر مطیع، برداشت از اثر سلطان محمد ۲۰/۵×۲۸ سانتی متر



تصویر ۱۷- قاجار، معراج حضرت پیامبر اکرم (ص)، رنگ روغن پشت شیشه، ۱۹×۲۴ سانتی متر، بدون رقم، بدون تاریخ، مجموعه

می باشند. (همان، ۱۶۸-۱۶۲) در تصاویر به دست آمده از این دوران شاهد دیوارنگاره هایی با موضوع معراج هستیم که در حمام وکیل نقاشی شده است. (تصویر ۱۵) این دیوارنگاره ها بدون رنگ و تزئین کشیده شده و نقاش با پرهیز از هر نوع اضافه گویی به بیان واقعه معراج پرداخته است.

پس از مرگ کریم خان زند حکومت قاجار آغاز شد. آقا محمدخان که به دنبال قدرت بود، پس از پیروزی بر رقبای خویش در سال ۱۲۱۰ هجری قمری خود را پادشاه ایران معرفی کرد. (رابینسون، ۱۳۷۶، ۸۶) اما پس از چند ماه در جنگ با شورشیان گرجی کشته شد و برادرش فتحعلی شاه، به تخت نشست. پس از مرگ فتحعلی شاه محمد میرزا بر تخت نشست و پس از او نیز ناصرالدین شاه به سلطنت رسید. (رهنورد، ۱۳۸۶، ۱۷۴-۱۶۹)

آن چه در باره ویژگی های زیبایی شناسی مکتب قاجار تهران می توان گفت این است که هنر در این دوران آگاهانه از دوره صفویه تاثیر پذیرفته و دارای سه ویژگی گردید: ۱- فقدان ارتباط قطعی با تمدن کهن اسلامی ۲- تاثیرات و ورود عناصر غربی و وابستگی به آن ۳- حضور عناصر مردمی و عامیانه. (همان، ۱۷۴-۱۶۹) از این دوران تصاویر بسیاری از جمله پنج معراج نامه چاپ سنگی که در کتابخانه ملی ایران نگه داری می شود و تعدادی نگاره به دست آمده است. عمده تصاویر جهت حرکت حضرت

نتیجه آن تاثیر بر روی نقاشی های آن ها می باشد. این تاثیرات بیش تر در لباس و کلاه ها دیده می شود تا در شیوه و نوع قاب. تصاویر فراوان آن دوره نشان می دهد که هنرمندان نسبت به مذهب توجه داشته اند (رهنورد، ۱۳۸۶، ۱۴۸) اغلب تصاویر به صورت سیاه و سفید هستند اما در تصاویر رنگی، رنگ های به کار رفته طلایی، قرمز، آبی و سفید می باشد. به جز دو تصویر از این آثار در باقی آن ها جهت حرکت حضرت پیامبر (ص) از سمت راست به داخل قاب تصویر است. (تصویر ۱۴)

پس از هجوم افغانه به اصفهان و فتح این شهر در سال ۱۱۳۵ هجری قمری که منجر به سقوط حکومت صفویه گردید، حکومت افشاریه آغاز شد. (همان، ۱۵۵) از این دوران تصویری با موضوع معراج مشاهده نشده است.

پس از قتل نادرشاه، کریم خان زند حکومت را به دست گرفت و شیراز را به عنوان پایتخت برگزید. او با الگوبرداری از معماری عصر صفوی کوشید این شهر را مانند اصفهان سده یازدهم صاحب شکوه و عظمت نماید. مجموعه تاریخی وکیل یکی از این نمونه هاست. از ویژگی زیبایی شناسی نگارگری این دوره تاکید هنرمند بر استفاده از عناصر تزئینی، نظیر دسته ای از گل های دل انگیز و رنگارنگ بر روی لباس ها است. هنر نقاشی در دوران کریم خان با نقاشی سده یازدهم پیوند زیادی داشت ولی به واسطه ویژگی پیکره ها و جامعه قابل تفکیک از هم





تصویر ۱۹-۲ معراج، ایرج، اسکندری، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴، ترکیب مواد، ۱۶۰×۱۰۰ سانتی متر



تصویر ۱۹-۱ معراج، عبدالمجید حسینی‌راد، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴، رنگ روغن روی بوم، ۱۴۰×۱۲۰ سانتی متر



تصویر ۲۰-هند، براق، بدون رقم، بدون تاریخ



تصویر ۱۹-۳ معراج حبیب ا... صادقی، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴، ترکیب مواد ۱۰۰×۱۰۰ سانتی متر

وسایر عناصر دارای رنگ های گرم هستند. در این اثر برخلاف تمام تصاویر قبلی هیچ فرشته ای دیده نمی شود و هنرمند از به کارگیری شخصیت های اضافی خودداری کرده است.

در این نقاشی گرایش به استفاده از سطح، خط و اجتناب از حجم پردازی آشکار است. سطوح رنگی تصویر نیز در سطح وسیع کار شده و ریزه کاری مشاهده دیده نمی شود. همچنین هاله دور سر حضرت پیامبر(ص) نیز به صورت دایره است که از آن با خطوط نامنظمی تشعشعات نور خارج می شود. این تصویر از معدود تصاویری

پیامبر(ص) از سمت راست تصویر به داخل قاب است. (تصویر ۱۶) تصاویر اغلب سیاه و سفید و رنگ های به کار رفته سبز، آبی و سفید است.

یکی از هنرهای دوران قاجار نقاشی پشت شیشه بود که اغلب با رنگ روغن بر پشت شیشه کشیده می شد. بنابراین برای دیدن صحیح شکل، نقاش باید طرح و نقش خود را به صورت معکوس بر پشت شیشه اجرا کند. (گودرزی، ۱۳۸۴، ۸۱) (تصویر ۱۷) در این تصویر فقط دو پیکره وجود دارد، یعنی براق و حضرت پیامبر(ص). در پس زمینه تصویر پارچه ای که بر روی براق انداخته شده، آبی رنگ است،





تصویر ۲۲- عثمانی، اولین نماز اسلام، سیرالنبی، مجموعه اسپنسر، کتابخانه ملی نیویورک



تصویر ۲۱- هند (دهلی)، معراج حضرت پیامبر(ص) احاطه شده با فرشتگان، ۱۸۰۰ میلادی، ۶۱/۵×۴۲/۵ سانتی متر

نقاشی، نگارگری، مجسمه سازی و غیره از دستاوردهای این دوران می باشد. (همان، ۱۸۸-۱۸۵) (مجموعه تصاویر ۱۹)  
**نقاشی‌هایی با موضوع معراج در کشورهای اسلامی**  
اهل تسنن اکثریت مسلمانان جهان را تشکیل می دهند. آن‌ها استفاده از صورتگری را برای نمایش تعالیم دینی و تاریخ اسلام جایز ندانسته و منع می کنند. اهل تسنن مخالف نصب تصاویر در مساجد هستند و هرگونه نقاشی یا پیکره‌ای که موجودات زنده را به نمایش بگذارد حرام می‌شمارند و معتقدند در هنر مقدس اسلام نقاشی پیکره، حیوانات و انسان جایز نیست.

فقدان هنردینی اسلامی از این اشکال و تصاویر اساسا ناشی از منع کلامی آن‌ها در سده اولیه اسلامی است. از جمله کسانی که بر صورتگری به ویژه تصویرکردن انسان انتقاد می‌کردند اهل حدیث بودند و آن‌ها مبنای این موضوع را احادیث نبوی می‌دانستند. نقاشان اهل سنت در تصویرکردن واقعه معراج به ترسیم براق اکتفا نموده‌اند و فقط در تعداد محدودی از کشورها شمایل حضرت محمد(ص) را می‌بینیم (عکاشه، ۱۳۸۰، ۵۸)

#### هند

سرزمین هند از مناطق مهم تاریخ تمدن بشری به شمار می‌رود که روزگاری عرصه ظهور چند تمدن عظیم و دین به نام جهان بوده است. نخستین ارتباط مسلمین با هند به دوران صدر اسلام باز می‌گردد که این ارتباط از طریق

می‌باشد که دم براق به دم طاووس تشبیه شده است. اما در دوره پهلوی با ظهور کمال الملک، نقاشی کلاسیک غربی و ساخت وسازهای عکس‌گونه و تجسم واقعی اشیاء و محیط باعث شد دیدگاه مردم در نقاشی تغییر کند. پس از مرگ کمال الملک و تاسیس دانشگاه تهران، ترجمه آثار ادبی جهان و ورود جلیل ضیاءپور کم‌کم این مکتب رو به افول گذاشت.

از دوره پهلوی یک تصویر که آن‌ها هم تقلید از کار سلطان محمد است وجود دارد. (تصویر ۱۸) پس از پایان حکومت پهلوی و پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی فصل تازه‌ای در نقاشی ایران به وجود آمد و اغلب هنرمندان که قشر جوان را هم تشکیل می‌دادند دست به احیای سنت‌های انقلابی و دینی زدند. بنابراین رو آوردن به هنرهای سنتی از جمله نگارگری از ویژگی‌های نقاشی پس از انقلاب است. در سال ۱۳۵۹ کشور دچار جنگ شد و شهادت زیباترین و بالاترین مضمونی بود که هنرمندان به آن پرداختند. به این ترتیب آثاری را خلق کردند که معنای متعالی و باطن دفاع را حمایت می‌کرد. (گودرزی، ۱۳۸۴، ۱۶۷-۱۵۸)

پس از پایان دفاع مقدس فرصتی مناسب برای گرایش‌های نو، نقاشی غرب و تمایلات جدید به وجود آمد و نقاشی از نمونه‌های اروپایی مایه گرفت و حتی در بعضی موارد مورد تقلید هم قرار گرفت. ظهور گروه‌های مختلف با نام‌ها و عناوین گوناگون، به وجود آمدن بینال‌های متعدد مانند



تصویر ۲۴- مصر، البراق نورالشریف، ۱۹۶۰، بدون رقم

در سال ۱۲۲۴ میلادی در آنتولی اقامت گزیدند. این گروه مهاجر در خانواده سلجوق پذیرفته و بعدها دارای مقام عالیه اداری شدند. در سال ۱۳۰۰ میلادی سلسله پادشاهی عثمانی بنیان گذاشته شد و تا سال ۱۹۳۶ میلادی ادامه داشت. (کارل جی، ۱۳۶۳، ۱۴۹)

عثمانی ها تنها به حکمرانی بر سرزمین سلاجقه اکتفا نکرده و در پی گسترش قلمرو خویش بودند. کتاب ها و آثار خطی در دوره عثمانی ها دست به دست می گشت و در اوج اعتبار و رونق بود. سلاطین عثمانی به خطاطی علاقه زیادی داشتند و در بسیاری موارد از ایرانی ها نیز تقلید می کردند. آن ها شیفته مینیاتورهای ایرانی بودند و آن طور که مشهور است ایرانیان تاثیر زیادی بر روی ترک ها گذاشته اند. گرچه مینیاتورهای ایرانی و ترکی را می توان بنا به رنگ آمیزی، طرح، لباس و حتی در پرتره ها از یکدیگر تشخیص داد.

یکی از قدیمی ترین نوشته های خطی دوران عثمانی ها کتاب خسرو و شیرین و نظامی گنجوی است که توسط شیخی به ترکی ترجمه شده است. (گودرزی، ۱۳۸۴، ۱۷۰-۱۶۸) (تصویر ۲۲) تصاویر آن دوره نشان می دهد آن ها در مورد صورت کشتی و ترسیم شمایل حضرت پیامبر (ص) تعصب کم تری داشته و در اغلب نقاشی ها حضور ایشان را با رنگ های سبز، سفید و قرمز در ترکیب بندی های هندسی می بینیم. (عکاشه، ۱۳۸۰، ۱۷۰-۱۶۸) (تصویر ۲۳) در این تصویر نقاش عناصر را به گونه ای در قاب مستطیل افقی چیده است که حضرت پیامبر (ص) و حضرت جبرئیل در یک سوم راست تصویر قرار دارند. حضرت پیامبر (ص) با ردایی بلند به رنگ سبز دیده می شود و عمامه و صورت ایشان به رنگ سفید است و با قلم گیری های صورتی رنگ از یکدیگر جدا شده و حجم پیدا کرده است.

#### مصر

در بسیاری از کتاب های تاریخ هنر در بررسی هنر تمدن های کهن، یا تمدن بین النهرین اولین مبحث قرار گرفته یا مصر.



تصویر ۲۳- عثمانی، بی تاریخ، احتمالاً سیرالنبی، مجموعه اسپنسر، کتابخانه ملی نیویورک

بازرگانان بوده است. از اوایل سده یازدهم میلادی هجوم مکرر سلطان محمود غزنوی به این کشور و غارت های مکرر سپاه اوباعث تضعیف قدرت سیاسی و نظامی سلاطین محلی گردید. به همین دلیل تا دو قرن بعد، یعنی سده سیزدهم میلادی آثار قابل توجهی مشاهده نمی شود.

از این زمان به بعد به تدریج با مهاجرت مسلمین به هند یک تعامل فرهنگی عظیم آغاز شد. انتقال اسلام به هند اساساً توسط ایرانیان صورت گرفت. فنون کتاب آرایبی نیز رشد کرد و به اوج خود رسیده طوری که برخی از زیباترین نسخه های مذهب و مطالای فارسی در شبه قاره هند تدوین گردیده است.

تاثیر فرهنگ ایران بر سرزمین هند در زمینه نقاشی مینیاتور، هنرهای دستی، فرش و معماری به وضوح دیده می شود. اوج هنر هند را که «هندو- ایرانی» نیز می نامند در دوران حکومت مغولان تیموری قابل مشاهده است.

در بسیاری از نقاشی ها مربوط به معراج این کشور شاهد حضور حضرت پیامبر (ص) هستیم. تصاویر به گونه ای ساده و عاری از هرگونه تزئین نشان داده شده است. (تصاویر ۲۱ و ۲۰)

در تصویر ۲۰ از هر نوع زیاده گویی و تزئین پرهیز شده و حضرت پیامبر (ص) و براق تمام تصویر را احاطه کرده اند. دور سر حضرت پیامبر (ص) هاله نور دیده می شود و دم براق نیز به دم طاووس تشبیه شده است.

حرکت چشم براق، دست حضرت رسول اکرم (ص) و پاهای براق همه به گونه ای است که حرکت به سوی جلورانشدید می کند. از ویژگی های بارز این اثر که مشخصه کشور هند می باشد تاج و گردن بند براق است که دارای عناصر و نشانه های هندی می باشد. (عکاشه، ۱۳۸۰، ۲۴۶-۲۲۳)

#### عثمانی

به دنبال یورش مغول ها به ایران و قتل و غارت مردم تعدادی از ایرانیان برای نجات جان خود و خانواده شان ترک دیار کرده و به کشورهای هم جوار مهاجرت نمودند. در میان گروه های مهاجر قبیله کوچکی از خراسان بودند که





تصویر ۲۵- مصر، براق، هنر مردمی، بدون رقم ماخذ: Hajj Painting 7995,748



تصویر ۲۷- عراق، براق، بدون تاریخ، بدون رقم



تصویر ۲۶- مصر، براق، هنر مردمی، بدون رقم، ماخذ: همان، ۱۴۹

سبز و حاصل خیزی را در این پهنه خشک و سوزان ایجاد نموده، به همین دلیل می توان آن را شاهرگ حیاتی تمدن مصر دانست.

نقاشان مصری، برای تجسم پیکره های انسانی قواعد و قراردادهایی را به کار می بردند که بی شباهت به سنت های تجسمی بین النهرین نبوده است. در تصاویر به دست آمده در باره معراج فقط حضور براق را به عنوان

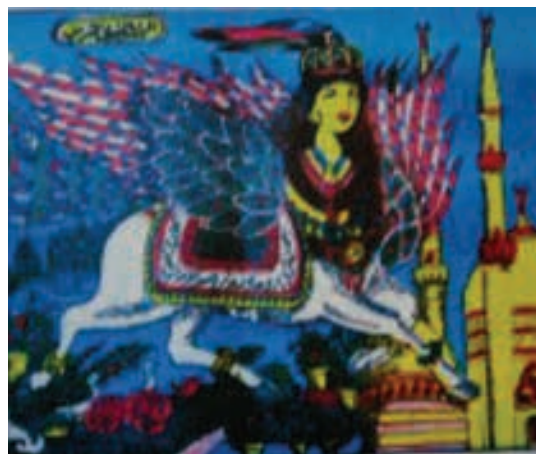
با توجه به این که در طول تاریخ کشور مصر کم تر مورد هجوم بیگانگان قرار گرفته توانسته برای مدتی بسیار طولانی در زمینه های مختلف هنری هویتی مستقل و با ثبات برای خود حفظ نماید. رود نیل در طول تاریخ منشأ آبادانی و منبع حیات این سرزمین و ساکنان آن بوده است. این رودخانه از میان دو بیابان خشک «صحرای عربستان» (در شرق) و «صحرای لیبی» (در غرب) عبور کرده و نوار



همچنین جهت حرکت پرنده ها به سمت بالا است و قرار گرفتن بدن براق از سطح گنبد همه بر حرکت براق به سوی بالا دلالت دارد. جهت حرکت براق از سمت چپ به داخل قاب است ولی به انتهای آن نچسبیده و فاصله دارد که حرکت به جلو را نشان می دهد. دم براق به طاووس تشبیه شده و تصویر دارای عناصر تزئینی بسیار است. عمده رنگ های به کاررفته در تصویر قرمز، سفید، سبز و آبی می باشد. بیش تر عناصر تصویر به صورت افقی است و مناره هایی که در سمت راست تصویر به صورت عمودی قرار دارد به حالت ستون عمل می کند که از به هم ریختگی تصویر جلوگیری می کند. از دیگر نمونه های تصویری تصاویر ۲۵ و ۲۶ می باشد.

### عراق

یکی از خاستگاه های هنر در دوره های نخستین نقاشی اسلامی کشور عراق است. در آن جا به فرمان شاهان آشور یک معبد باستانی بنا شده بود و پس از آن که گروهی از مقدونی ها در آن شهر سکونت گزیدند، پرستش خدایان متعدد با نام وسیمای یونانی نیز معمول گردید. ساکنان حران تاپیش از ظهور اسلام پیرو آیین های آمیخته از بابلی و یونانی بودند که اساس آن ها بر پرستش ماه بود. در دوره خلافت عباسی، هنگامی که جنبش ترجمه و فراگیری دانش و فرهنگ یونانی آغاز گردید، بت پرستان حران بیش ترین سهم را در آن جنبش برعهده داشتند و به



تصویر ۲۸- عربستان، معراج، بدون تاریخ، بدون رقم، اکریلیک روی بوم  
 موجودی مونث می بینیم، عنصر تزئینی و توجه به جزئیات و استفاده زیاد از رنگ سبز از ویژگی های مشخص این کشور می باشد. (تصویر ۲۴) به دلیل تعصبات مذهبی نقاش از ترسیم تصویر حضرت محمد (ص) خودداری کرده و فقط حضور براق نشان از واقعه معراج دارد و محل قرارگیری آن به شکلی است که نشان می دهد بالاتر از سطح زمین قرار دارد و زمینه پشت سر حضرت پیامبر (ص) نیز به رنگ آبی نقاشی شده که تاکید بر آسمان دارد و نشان می دهد براق در آسمان حرکت می کند.



تصویر ۳۰- نیجریه، بدون رقم، بدون تاریخ



تصویر ۲۹- بحرین، براق، خالدالمحرقی منتظر، ۲۰۰۴



تصویر ۳۱- پاکستان، نقاشی بر روی ماشین، بدون رقم، بدون تاریخ

### عربستان، بحرین، نیجریه، پاکستان

با ظهور اسلام در عربستان و گسترش آن در سراسر جهان، هنر نیز دستخوش تغییر شد. در ابتدا شیوه معماری بسط یافت و پس از مدتی با توجه به اعتقادات کشورها به دین اسلام و ممنوعیت صورت کشی این هنر رشد پیدا کرد.

در نقاشی های این دوره بیش تر شاهد المان های تصویری هستیم، از عناصری مانند گنبد سبز مرقد حضرت پیامبر(ص) به جای ایشان و یا نوشتن نام آن بزرگوار استفاده شده است. ترسیم براق عامل مهمی برای نشان دادن واقعه معراج بوده است. (عکاشه، ۱۳۸۰، ۲۰۱-۱۸۹) در این تصاویر از رنگ های قرمز، سبز، آبی و طلایی بسیار استفاده شده است. (تصویر ۲۸)

تصویر ۲۹، یکی از آثار مربوط به کشور بحرین است رنگ های این اثر به گونه ای است که بر واقع شدن معراج در شب تاکید دارد اما براق به گونه ای متمایز از تمامی نقاشی های دیگر است. حرکت براق رو به سوی بالا و به سمت داخل تصویر است. عمق میدانی که در هیچ یک از تصاویر قبلی نمی دیدیم در این اثر به صورت کاملاً واضح به چشم می خورد.

تصویر ۳۰، مربوط به کشور نیجریه است که شباهت زیادی به نمونه مشابه در کشور مصر دارد. به نظر می رسد

علوم ستاره شناسی و ریاضیات روی آوردند. تصاویر فلکی که در میان نخستین نمونه های نگارگری اسلامی پدیدار گردید زائیده همین است.

این که آیا بت پرستان حران در تکامل فن نقاشی در نواحی دیگر نیز مشارکت داشته اند یا نه بر ما آشکار نیست، اما روشن است که آن ها به این هنر و نیز به هنرهای فرهنگ باستانی اهتمام ورزیده اند. در تصاویر موجود از این کشور شاهد حضور براق به تنهایی هستیم. با توجه به شیوه نقاشی می توان حدس زد که این آثار متعلق به دهه اخیر بوده و قاب آن ها به مربع نزدیک است. اندازه براق به گونه ای است که بیش تر فضای قاب را پر کرده است. (تصویر ۲۷) در این نقاشی همانند اثری که از کشور مصر ارائه شد، فقط براق دیده می شود اما در جهت مخالف، یعنی ورود براق از راست به چپ می باشد. این اثر چند تفاوت عمده با آثار دیگر دارد که عبارت است از تصویر کردن معراج، عدم توجه به جزئیات، نوع طراحی و عناصر موجود در نگارگری. حرکت سریع و راحت قلم، استفاده از ضربات قلم مو و رنگ ها و بافت های متنوع در تصویر گویایی جسارت هنرمند در تغییر نوع نگاه است. رنگ های مورد استفاده در این نقاشی قرمز، نارنجی، سفید و آبی متمایل به سیاه است. بافت های متنوع موجود در تصویر به نوعی حالت تزئینی به اثر داده است.

موضوع تاکید دارد. اما نکته مهم و قابل توجه که زیرکی نقاش را نشان می دهد این است که اگرچه نتوانسته چهره حضرت پیامبر(ص) را تصویر کند اما در محل نشستن ایشان بر روی براق، گنبد سبز را که برای همه آشناست، ترسیم کرده است. همچنین هاله نوری که اطراف سر حضرت پیامبر(ص) قرار دارد را نیز در اطراف گنبد می بینیم و روی پارچه ای که بر براق کشیده شده نام مبارک حضرت محمد(ص) نوشته شده که این موضوع نیز بر حضور حضرت در تصویر تاکید دارد.

در کنار آن چه ذکر شد از کشور پاکستان نیز تصاویری در دسترس است که فقط حضور براق در آن ها دیده می شود. این نقاشی ها بر روی ماشین های مختلف نیز کار شده است. (تصویر ۳۱)

یکی از این دو نقاش بر دیگری تاثیر گذاشته و از روی کار هم برداشت کرده اند و فقط در رنگ آن تغییراتی به وجود آورده اند. اگرچه در نقاشی مصری اندکی قاب بسته تر شده است. در آثار نقاشی کشور عربستان نیز فقط براق دیده می شود. قاب تصویر به صورت مستطیل عمودی است و شامل دو قسمت یعنی آسمان و زمین است. در بخش آسمان براق، ستاره ها و گنبد مقبره حضرت پیامبر(ص) و در پایین اثر نمایی از مسجدالاقصی و درختان اطراف آن دیده می شود. در قسمت پایین غروب خورشید با نور نارنجی در آسمان تصویر شده و در بخش بالا نیز شب را نشان می دهد که سرشار از ستاره است.

براق در این تصویر بسیار تزیینی کار شده و همانند دیگر تصاویر برای آن جنس موث در نظر گرفته شده است. علاوه بر عناصر تزیینی موهای بلند براق نیز بر این

## نتیجه

معراج حضرت محمد(ص) رمز آمیزترین و عارفانه ترین معجزه الهی تاریخ اسلام است و همواره در طول تاریخ، هنرمندان، عارفان، شاعران و سالکان به آن توجه کرده و از آن الهام گرفته اند، همین الهامات موجب پیدایش منظومه ها و آثار هنری در این زمینه گردیده است. نخستین نمونه های موجود از نقاشی معراج حضرت محمد(ص) از نسخه جامع التواریخ نوشته رشیدالدین فضل ا. همدانی است. هنرمند در این تصاویر حضرت محمد(ص) را بلندتر از هر پیکره ای نقاشی کرده است.

در تمامی آثار معراج فضایی روحانی و سرشار از معنویت حاکم است. ترکیب بندی های تصاویر عموماً مارپیچ است (به جز در دوران معاصر که به صورت هندسی در قالب مربع و مستطیل ارائه شده) این تصاویر نوعی فضای لایتناهی را تداعی می کند و در عین حال حرکتی عینی و پیچیده به کل تابلو می بخشد. فضای نقاشی عموماً آکنده از رنگ های گرم و شادی بخش است و به نظر می رسد حرکت مداوم در آن ها به شکلی است که شور و نشاطی در تمامی آثار دیده می شود و تاکید زیادی بر آن شده است. در بسیاری از نقاشی های ایران حضرت محمد مصطفی پیامبر(ص) و براق در حالی که در هاله نور احاطه شده اند در وسط قاب قرار دارند و فرشتگان با بال های رنگارنگ و تاج های طلایی بر روی سر و هدایایی در دست، پیامبر(ص) را احاطه کرده اند، حرکت فرشتگان عموماً حالتی رقص گونه داشته و همه شاد هستند. رنگ ها نیز اغلب شورانگیز و معنوی اند. سردی آبی آسمان و گرمی رنگ های لباس فرشتگان و ابرهای موج که قسمت بسیاری از آثار را پوشانده همه با ترکیبی استادانه و حالتی دلنواز و آهنگین را تداعی می کند. در بسیاری از نقاشی های ایرانی اولین مرحله معراج یعنی زمانی که حضرت پیامبر(ص) سوار بر مرکب خود، براق بوده اند و فرشته جبرئیل در جلو به عنوان راهنما در حال صعود هستند، تصویر شده است.

در دیگر کشورها به دلیل محدودیت و عقاید خاص در تصویر کردن حضرت پیامبر(ص) دارند، فقط براق نقاشی شده و آن را به عنوان نمادی از معراج نشان داده اند. این موضوع نشان از توجه هنرمندان به اولین مرحله معراج دارد یعنی تا زمانی که براق همراه حضرت پیامبر(ص) اجازه همراهی داشته است. در این تصاویر از ابرهای موج، آسمان پرستاره و فرشتگان خبری نیست، ترکیب بندی ها نیز



بسیار ساده کار شده اند.

مطالعه و بررسی نقاشی های به دست آمده گویای این است که نقاشان مسلمان در مورد معراج دیدگاهی مشابه دارند و معتقدند حضرت پیامبر(ص) به وسیله براق و در شب به معراج رفته اند. همچنین در بیش تر آثار براق وجود دارد و رنگ آبی آسمان نشان از تاریکی و واقع شدن این رویداد در شب دارد. رنگ های آبی لاجوردی، سفید، نارنجی، قرمز و طلایی بین تمام نقاشی ها مشترک است. اغلب ترکیب بندی ها مارپیچ و حلزونی می باشد و شروع حرکت حضرت پیامبر(ص) را از سمت راست تصویر و رو به بالا نشان می دهند. همچنین در بسیاری از این تصاویر بر مونت بودن شخصیت براق توسط عناصر تزئینی تاکید شده است.

### منابع و مأخذ

- آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن کریم، چاپ اول، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۶.
- قرآن کریم، ترجمه آیتی عبدالمحمد، چاپ اول، سروش، تهران، ۱۳۷۶.
- برنو، باربارا، هنر اسلامی، ترجمه شایسته فر، مهناز، چاپ اول، موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
- پاکباز، رویین، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، چاپ سوم، انتشارات زرین و سیمین، تهران، بهار، ۱۳۸۳.
- رابینسون، ب.و، هنرنگارگری (۱۳۱۳-۱۸۹۶/۷۵۱-۱۳۵۰)، ترجمه آژند، یعقوب، چاپ اول، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۷۶.
- گودرزی «دیباج»، مرتضی، تاریخ نقاشی ایران، از آغاز تا عصر صفویه، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴.
- کارل جی، دوری، هنر اسلامی، ترجمه بصیری، رضا، چاپ اول، انتشارات فرهنگسرا، ۱۳۶۲
- رزسگای، ماری، معراج نامه، سفر معجزه آسای حضرت پیامبر(ص)، ترجمه شایسته فر، مهناز، چاپ اول، موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، بهار، ۱۳۸۵.
- رهنورد، زهرا، تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی، نگارگری، چاپ اول، انتشارات سحت، تهران ۱۳۸۶.
- خاوران نامه ابن حسام خوسفی بیرجندی، نگاره ها و تذهیب های فرهاد، نقاش سده نهم هجری، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شاهکارهای نگارگری، موزه هنرهای معاصر تهران، موسسه توسعه هنرهای تجسمی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.
- گنج نامه، فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، دفتر هجدهم، حمام ها، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۸۴.
- سیف، هادی، نقاشی پشت شیشه، چاپ اول، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۱.
- سیف، هادی، نقاشی روی کاشی، چاپ اول، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۶
- افتخاری، سید محمود، نگارگران ایران دوره معاصر (۱۳۵۰-۱۳۰۰ش)، چاپ اول، انتشارات سیمین و زرین، تهران، زمستان، ۱۳۸۱.
- نگاره، منتخبی از آثار دومین نمایشگاه دوسالانه نگارگری ایرانی اسلامی، چاپ اول، انجمن هنرهای تجسمی با همکاری موزه هنرهای معاصر تهران، زمستان، ۱۳۷۵.
- عکاشه، ثروت، نگارگری اسلامی، ترجمه تهامی، غلامرضا، چاپ اول، حوزه هنری (انتشارات سوره مهر) تهران، ۱۳۸۰.

Tauris I.B, Persian Painting from Thr Monqols to The Qajars.London,New Yourk,2000.

S.Blair Shieila and M.Bloom Jonatan.Thr Art and Architectur of Islam 1500-1800, Printing 1994.

Robinson .B.W,Persian Painting in The India officr Library A Descriptive Cataloge. Keep Emeritus. Victoria and Albert Museum,Printed in Great Brita 1976.

Sonian Smith,Sultan Ibrahim Mirza s Haft Awrang,Institution,Washington.D.C.Yale University Press,New Haven,s. London 1997.

Thames and Hudson.Royal Persian Manuscripts,Stuorrt Cary Weleh,London .Thrid ,Printing 1978.

<http://www2.let.uu.nl>

[www.exoticindia.art.com](http://www.exoticindia.art.com)

[www.Theongridesgu.com](http://www.Theongridesgu.com)

[www.amnesty.at](http://www.amnesty.at).





آوردن سر ایرج برای فریدون، شاهنامه بزرگ مغولی (دموت) ۷۳۶ هجری قمری، واشنگتن دی سی آمریکا، سالگرگاری